پراکنده ها (۳)

عبدالرحمن مجاهد نقی **بخش دوازدهم و پایانی**

– ضدیت با زندگی شهری و دوری از مراکز صنعتی، روستاگرایی، اقتدارگریزی، انزوا طلبی و توده گرایی! این ها برخی از ویژگی های نظری افرادی است که آن ها را ضد مدرن می‌شناسیم! حالا اسمش فرق نمی کند پسا مدرن باشد یا ضد مدرن یا هر چیز دیگر. آیا علیخانی را باید یک نویسنده ی ضدمدرن خطاب کنیم یا برعکس، او یک نویسنده ی سنت ستیز است؟! قضاوت من آن است که یکی از رموز بزرگی کارهای علیخانی همین است که نمی‌توان به این پرسش، پاسخی مستند و مستدل داد!! پاسخی که بر اساس نوع نگاه و نگارش علیخانی کاملاً مکتوم است! اگر جایی روند داستان به سمت تقبیح و محکومیت یک باور سنتی ریشه دار حرکت می کند، در بسیاری جاهای دیگر، برعکس، حتی شاهد همدلی و تعلق خاطر راوی نسبت به بسیاری از این سنن هستیم! اگر چه علیرغم همین موضوعی که یاد کردیم، در بسیاری از داستان ها (و اکثریت آن‌ها) از سوی نویسنده هیچ قضاوتی را درباره‌ی فضاهای وهم‌آلود و تصاویری که از دل سنت‌های چند هزار ساله بدر آمده اند شاهد نیستیم و این به اهمیت کارهای علیخانی ارزش بسیار بالایی می بخشد.

– هر چه اقوام بدوی تر باشند، میزان انس آنان با طبیعت بیشتر خواهد بود. اگر برای ما سنگ، فقط یک سنگ است، برای یک فرد بدوی هر سنگ شناسنامه ای و نام و نشان و داستان و ماجرایی دارد. در ذهن فرد بدوی همه چیز زنده است و فرد بدوی با همه چیز در تعامل است. به باور من یکی از رموز موفقیت یک نویسنده و شاعر و هنرمند در این دوره‌ی ارتباطات و کلی نگری های حاصل آن، این است که هر چه بیشتر نگاهش را به آن نگاه بدوی نزدیک تر کند و در مواجهه با عناصر طبیعی، سعی کند به این نگاه نزدیک‌تر شود. دست یابی کامل به این نگاه برای ما میسر و ممکن نیست، اما نزدیک شدن به آن و تمرین برای دگرگونه دیدن اشیاء ناممکن نمی‌باشد. یکی دیگر از رموز موفقیت علیخانی را در همین نزدیک شدن به نگاه‌های بدوی می‌دانم. به همین خاطر است که بسیاری از اشیاء و موجودات، بر خلاف نوشته های بسیاری از نویسندگان این دو قرن که آن ها را در طبقه‌بندی های کلی جا می دهند، در نوشته‌های علیخانی ماهیتی فراخور نام خود می‌یابند. در نوشته های علیخانی ، بُز فقط بُز نیست! که یک بز می تواند **بز شالی** باشد یا **بز بور** یا **بز زرد** یا **بز کلاچ کوری** یا **بز کلاچ موزی** یا **بز قشقابُل** و...

– علیخانی راوی ساده ترین و به ظاهر پیش پا افتاده‌ترین رخدادهای روستایی است که میلک نام دارد و در ناحیه ی الموت گویا واقع است. گاه از فرط سادگی رخدادها حیرت می‌کنیم که مگر می شود چنین حوادث بسیار ساده و روزمره دست مایه ی داستان های یک نویسنده ی قرن بیست و یکم قرار گیرد؟! و این نیز یکی دیگر از برجستگی‌های کارهای علیخانی به شمار می‌آید. و از دل همین تلاش‌ها شیوه ای پدید آمده که بر خلاف آراء برخی نویسندگان و منتقدان که متاثر از این و آن دانسته اند، به باور من مختص علیخانی است و منحصر به فرد است و می تواند در آینده مورد تقلید و توجه نویسندگان دیگر نیز قرار گیرد (انگشت نهادن بر روی چند جمله و یا به علت تشابه کلیت موضوع های داستان‌های علیخانی با این و آن موجب نمی شود که به‌راحتی از تاثیرها سخن بگوییم. مگر نویسنده و شاعری هم هست که از این و آن متاثر نشده باشد. سخن بر سر دست یافتن به زبان خاص خود است که از این نظر علیخانی کاملاً به این مرحله رسیده است و داستان بدون امضا و نام او را نیز می‌توان تشخیص داد. و گرنه از این گونه تاثیرها بسیار می‌توان سخن گفت، نمونه‌اش تاثیر بیژن نجدی و نوع جمله هایی را که به‌کار می‌برد و باعث شد نویسنده ای متفاوت به شمار بیاید نیز می‌توان در بسیاری جمله‌های علیخانی یافت و نشان داد، مثل این جمله: **زبان پیشانی اش به حرکت آمده بود و تند و تند عرق می‌ریخت** {ص۳۴۸ سه گانه}. علیخانی با ترسیم ماهرانه‌ی فضاهای وهم آلود و متناسب با موضوع ها و با به‌کارگیری واژگانی که با دقت تمام انتخاب شده‌اند به این شیوه دست یافته است.

– خواندن و لذتِ درک داستان های علیخانی برای کسانی حاصل می شود که مطالعه‌ی مستمر دارند و داستان ها و رمان‌های مطرح و صاحب شیوه‌های خاص را دنبال کرده اند. نوعی فرهیختگی می‌خواهد. باید با شیوه‌های رازآلود و مشابه با کار علیخانی در ادبیات خارجی آشنا باشی تا این شیوه‌ی به ظاهر ساده و در باطن متکثر را درک کنی!

– وقتی بخشی از داستان ها سته بان که توسط دوست نویسنده ام آل ابراهیم منتشر می‌شود به دستم رسید، در میان آن ها به چند داستان که به لهجه ی محلی نوشته شده بودند برخوردم. خواه ناخواه این گونه داستان‌ها واژگانی را به متن وارد می سازند که دیده شده است چگونه با تکرار استعمال آن ها در متون دیگر، به ظرفیت گنجینه‌ی ادب ما افزوده‌اند. به همین خاطر از آل ابراهیم خواهش کردم در صورت تایید این طرز نگاه من، به تشویق آن گروه از نویسندگانی که داستان های خود را (یا بخش های مکالمه و یا تک گویی را) با لهجه‌های محلی نوشته اند بپردازد. یکی از بارزترین وجوه مشخصه‌ی داستان های علیخانی، تزریق لهجه، و به تبع آن استخدام واژگان محلی است، لهجه ای که سپانلو آن را دیلمی نامیده است و متعلق است به روستای میلک در نزدیکی قزوین، و در جایی دیدم یکی از منتقدان داستان های علیخانی، آن را لهجه‌ای من درآوردی نامیده است! (صلاحیت داوری ندارم، اما می‌توانم بگویم هر چه هست زیباست و در ترسیم هر چه بهتر فضاها و روابط و همچنین در عریان‌تر شدن رفتارها و بازنمایی شخصیت ها بسیار موثر افتاده است).

– از ویژگی های روشی که علیخانی بکارگرفته یکی آن است که بازسازی بخش‌هایی از داستان را بر عهده‌ی خواننده می‌گذارد. دیگر آن که توصیف های علیخانی واقعاً کم نظیر هستند و هنگامی که با گزینش خاص و توام با وسواس واژگان اصیل همراه می‌شوند به اوج می رسند. نگاه علیخانی به طبیعت و اشیاء همان نگاهی است که باید از یک نویسنده ی آگاه انتظار داشت. از دیگر ویژگی کارهای علیخانی آن است که از نشانه‌ها در حد اعلا استفاده می کند: نه آن چنان که نشانه به معمایی دست نیافتنی بدل شود و نه بدان حد که به راحتی برای اذهان تنبل واضح باشند.

روستای میلک

–این داستان ها نشانه های زیادی از تجربه ی نویسنده و شناخت خوب او از محیط روستاهای الموت را در خود دارند. این که آیا این روستا واقعاً وجود دارد یا نامش ساخته‌ی ذهن علیخانی است بارها در نوشته های دیگران تکرار شده است. در جستجو به این موارد دست یافتم:

روستای میلک در ۶۳ کیلومتری شهرستان قزوین در بخش الموت واقع است. دشت سبز و ییلاقی دامداران در کوه های شمال میلک قرار دارد. آب و هوایش سرد و خشک است. قلعه‌ی تاریخی اش در شمال شرقی آبادی، از قلعه‌های ناشناخته یاران حسن صباح به شمار می‌رود. امامزاده اسماعیل که بارها در داستان‌های علیخانی بدان اشاره شده است در این روستا قرار دارد. محصولات این روستا عبارتند از گردو و فندق و زغال اخته. حدود ۴۰۰ نفر جمعیت دارد که اکثر آن ها به قزوین مهاجرت کرده اند و در فصل فندق چین در ماه شهریور به میلک بازمی‌گردند. پیشه مردمان میلک باغداری، دامداری و کشاورزی است.

علیخانی که در روستای میلک به دنیا آمده است راوی ماجراهای روزمره ی روستایی است که هنوز در میان رفت و آمد و حضور مداوم جن و پری و آل و اوشانان و حضور سر کتاب و حرز و دعا و ... دست و پا می زند و سکنه‌اش مشتی پیرِ زمینگیر هستند که جوانان‌شان برای کار رفته‌اَند به قزبین (قزوین) و این ها به معنای تجربه‌ی عملی علیخانی در داستان‌هایش جا گرفته‌اند. اما آیا علیخانی می‌تواند راوی زمان رونق روستای میلَک در سال های پیش از مهاجرت روستاییان به شهر قزوین نیز باشد؟ راوی ماجراهای شهری که جوانان میلک را بلعیده چطور؟! این را از این رو می گویم که به‌نظر می رسد زبان علیخانی در روایت ماجراهای روستا تثبیت شده و خروجش از فضای روستای میلک بسیار دشوار باشد! رمان **بیوه کشی** را علیرغم زیبایی هایش و با آن که در یک سال به چاپ سوم رسیده، نوعی درجازدن می دانم، نوعی تکرار، آن هم در سطحی پایین تر از آثار قبلی! باید دید آیا علیخانی می خواهد فقط راوی ماجراهای میلک باقی بماند؟!

– و سوال ما: راستیِ تکلیف ما با این داستان‌های جن و پری و اُوشانان چیست؟ همان‌ها که خود علیخانی هم به وفور حضورشان در داستان هایش، در جایی این گونه اشاره کرده است:

" این که نشد زندگی. همه اش هول و ولا. همه‌اش سنگینی. همه اش ترس. همه‌اش زهره تَرَکی..." {ص ۲۱۹}. آیا آنان که می‌بینند و با این موجودات (و به باور ما با خودشان!) سخن می گویند خل وضع و دیوانه‌اند یا ما در اشتباهیم؟ بگذارید پاسخ را به بخشی از یکی از داستان های خود علیخانی واگذاریم:

= "اگه راس می گی پس چرا فقط تو می‌بینی؟!

= تو هم می بینی، فقط باید نوبتت بشه" {ص۱۷۴}. و در جای دیگر با این پاسخ:

= " باید یه کم هم باور داشته باشی" {ص۱۷۶}.

علیخانی نویسنده ی بسیار خوب و توانایی است. اگر گرفتار تمجیدها نشود، و اگر در روستای میلک باقی نماند و مهاجرتی متناسب با زمانه داشته باشد می تواند به یکی از قله‌های داستان‌نویسی معاصر بدل شود. آیا مکافات عمل را می‌توان بهتر و مدرن تر از آنچه علیخانی در داستان **هراسانه** آورده است نوشت؟!!(مدرن از لحاظ فرم داستان). او راوی قصه هایی است که از دل هزاره ها در می‌آیند، راوی رویاهای مردمانی گرفتار و آرزوهایی که لااقل مردم محروم را تسکین می دهند. آرزوهایی که از دل رویاها سر بر می آورند و چون عدالت را نمی یابند، در جستجویش به هر سنگ و درخت و علف و چشمه متمسک و متوسل می شوند. و معلوم است وقتی عدالت را در چنین جاهایی بجویی، آنچنان غافل می‌مانی که خود نیز از ستمکاران می شوی. و چه ستمی از این بالاتر که آنچنان در خرافه و جهالت غوطه بخوری که هر خردک چیزی، دستمایه ای شود برای تحقیر و تخفیف دیگر انسان ها، هر چند از سر جهالت باشد و پیامد خرافه! که بخش بزرگی از بی‌عدالتی ها را خود ما نسبت به یکدیگر روا داشته‌ایم و بذرهای نفرت و کینه و نقار کاشته‌ایم: پیرمردی آبله‌رو با برجستگی های پراکنده در صورت، انگار شن و ماسه ریخته باشند توی صورتش، با چشم‌های درخشان در شنزار چهره را در خاطر داشته باشید. مردی که دماغش نیز سوراخ سوراخ است با خال قهوه‌ای بزرگی در گوشه ی گونه اش. مردی که محکوم فقر و فاقه و عدم بهداشت و درمان مناسب بوده است، اما همان همسایگان همدرد فقیر و محرومش که همواره خود را اسیر پنجه‌های قهار موجودات افسانه ای می دانند، این قصه را در باره اش سر می دهند و خود نیز باور می کنند که:

"مردکه یه وقتی مهمان بیاید برایش. آدم که ندانه مهمانش سیّده، آقایه، گدایه، درویشه، چه بنی بشریه. یه مشت برنج برداره، پاک نکرده، خیس بکنه و بریزه توی دیگ. زنش حمام بوده، هر جا بوده، هی یه ساعت و دو ساعت، برنگرده. مهمان هم که گرسنه بوده. مردکه برداره، همان طور برنج رو بکشه و بذاره جلوی مهمان که بخوره علی الحساب. مهمان هم که معلوم نبوده، آقا بوده، نوکر بوده، بزرگ بوده، چی بوده، اولین قاشق را که بگذاره دهنش، شن ریزه برود لای دندان و دهانش. دومین لقمه، باز همین معامله. تا سومین لقمه که عصبانی بشود و بشقاب برنج رو بپاشه سر و صورتِ مردکه. به حکم خدا، برنج ها شستنی بشوند اما شن و ماسه بمانه در صورتش." {ص۳۶۹ سه گانه}.

حتماً در نمایشگاه سال بعد، در غرفه ی نشر آموت، یوسف علیخانی را ببینید.

ثبتی و دادگستری

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۱۰۰۱۰۳۱۴۷۹ مورخ ۹۴/۹/۲۳ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی قاسم ناظر مظفری فرزند حاجی بابا به شماره شناسنامه ۴۳۹ صادره از شیراز در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۲/۱۶ مترمربع پلاک ۵۴۰۵۵ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۰۱ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش ٤ شیراز خریداری از مالک رسمی خیراله راه پیما محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۰/۲۷
۲۴۶۲۶/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۱۰۰۱۰۲۳۶۸۷ مورخ ۹۴/۹/۳ هیأت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی اصغر جمعه فرزند طهماسب به شماره شناسنامه ٤٤ صادره از شیراز در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۳۷/۶۸ مترمربع پلاک ۱۳۳۱ فرعی از ۲۱٤٤ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱٤٤ اصلی واقع در بخش ٤ شیراز خریداری از مالک رسمی محمدرحیم خرمندار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۰/۲۷
۲۴۶۲۵/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۱۰۰۱۰۳۰۰۴۷ مورخ ۹۴/۹/۱۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پری بازدار فرزند سلمان به شماره شناسنامه ٤۳۸ صادره از کازرون در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۲۹ مترمربع پلاک ۲۰۰۶ فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش ٤ شیراز خریداری از مالک رسمی نجیبه نکیسایی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۰/۲۷
۲۴۶۲۴/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۱۱۰۰۱۰۳۱۵۷۳ مورخ ۹۴/۹/۲۴ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی نسبر کرمی فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۹۷ صادره از کازرون در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۱/۶۴ مترمربع پلاک ٥٤٠٤٨ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۰۸ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی خریداری از مالک رسمی سیف اله عوضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۱۰/۲۷
۲۴۶۲۳/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز
حسین گرگین

آگهی حصر وراثت

مصطفی حمیدی فرزند قنبرعلی دارای شناسنامه شماره ۵۱۷۸ فسا به شرح دادخواست به کلاسه ۹٤/۸۸۶ ح ش مرکزی از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحومه گلی کوهی به شناسنامه شماره ۲۵۵۹ فسا در تاریخ ۹۳/۶/۲۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته وراث حین‌الفوت آن مرحومه منحصرند به:
۱- معصومه حمیدی به شناسنامه شماره ۵۸۳۷ فسا
۲- زینت حمیدی به شناسنامه شماره ۵۶ فسا
۳- سلطان حمیدی به شناسنامه شماره ٤۱۱۳ فسا
٤- جهان حمیدی به شناسنامه شماره ۹۷ فسا
۵- زمان حمیدی به شناسنامه شماره ۸۸ فسا (دختران متوفیه)
۶- مصطفی حمیدی به شناسنامه شماره ۵۱۷۸ فسا
۷- شهرام حمیدی به شناسنامه شماره ۷۶ فسا
۸- محمود حمیدی به شناسنامه شماره ٤۳۲۳ فسا
۹- علی محمد حمیدی به شناسنامه شماره ۳٤ فسا
۱۰- الیاس حمیدی به شناسنامه شماره ۵۸۳۶ فسا
۱۱- مرتضی حمیدی به شناسنامه شماره ۵۱۷۷ فسا (پسران متوفیه) و لاغیر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفیه نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.
۸٤۰/ م الف
شورای حل اختلاف حوزه مرکزی فسا
امور حصر وراثت
خرم احسانی

آگهی حصر وراثت

حبیب رستم دخت فرزند حسین به شرح درخواستی که به کلاسه ٤۷۹/۹٤/ ش ۱این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی انحصار وراثت نموده و اعلام داشته که خانم یوسفی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۸۵ صادره از قادرآباد در تاریخ ۸۶/۷/۱ در اقامتگاه دائمی خود شهرستان شیراز فوت نموده و وراث حین‌الفوت وی عبارتند از:
۱- بیژن رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۵۹۱ متولد ۱۳۲۶/۸/٤ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۲- حبیب رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۳۶۱ متولد ۱۳۳۰/۵/۱۳ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۳- اعظم رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۶۳ متولد ۱۳۳۱/۲/۲۰ صادره از شیراز فرزند متوفیه
٤- محمدقاسم رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۸۱ متولد ۱۳۳٤/۲/۱ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۵- محمدباقر رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۶۱ متولد ۱۳۳۶/۲/۱۶ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۶- فرهاد رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۹۳۵۸۵ متولد ۱۳۳۸/۱۲/۲۰ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۷- مهوش رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۰۶۹ متولد ۱۳۳۷/۱۰/۲۸ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۸- زهره رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۹۷۲ متولد ۱۳٤۲/۶/۲٤ صادره از شیراز فرزند متوفیه
۹- هما رستم دخت فرزند حسین به شماره شناسنامه ۹۵۸۹۵ متولد ٤۳/۱۱/۲۱ صادره از شیراز فرزند متوفیه و لاغیر
اینک شورا پس از انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه‌ای از متوفیه نزد او می‌باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد.
۲٤۶۸۰/ م الف
شورای حل اختلاف شعبه یک زرقان

آگهی

خواهان/ شاکی تعاونی اعتبار ثامن به نمایندگی محمود بختیاری دادخواستی به طرفیت خواندگان/ متهمان میثم جوکار تنگ کرمی و اسماعیل زارعی خرنجانی به خواسته مطالبه وجه چک و مطالبه خسارات دادرسی تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان فسا نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان فسا واقع در استان فارس شهرستان فسا ارجاع و به کلاسه ۹٤۰۹۹۸۷۳۱۰۳۰۰۵۹۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخ ۹٤/۱۱/۱۷ ساعت ۹/۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان/ متهمان و درخواست خواهان/ شاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خواندگان/ متهمان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردند.
۸۷۲/ م الف
منشی شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان فسا- مژگان حامدی

آگهی

شاهزاده آقاجانی فرزند عیسی به موجب دادنامه شماره ۹٤۰۹۹۷۷۳۱۰۲۰۰۷۷۷ صادره از شعبه دوم دادگاه حقوقی فسا شما محکوم به طلاق همسرتان زهرا فرزپور فرزند شنبه علی می باشید لذا موظفید ظرف مدت یک هفته از تاریخ چاپ در روزنامه به آدرس فسا فلکه دارابی کوچه شهید کشاورز دفتر طلاق ۲۲ فسا مراجعه نمایید و نسبت به ثبت طلاق همسرتان اقدام نمایید در غیر این صورت دادگاه محترم در غیاب شما اقدام خواهد نمود.
۸۷۰/ م الف
سردفتر ازدواج ۲۰۲ و طلاق ۲۲ فسا
رضا محبی

آگهی حصر وراثت

داریوش رموک دارای شناسنامه شماره ٤۷۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹٤/۳۱۸ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مسعود رموک به شماره شناسنامه ۲۹۲۰ در تاریخ ۹٤/۶/۲۸ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و وراث حین‌الفوت آن مرحوم منحصرند به:
۱- داریوش رموک به شماره شناسنامه ٤۷۰ صادره از کهنوج فرزند متوفی
۲- کورش رموک به شماره شناسنامه ۱۱٤ صادره از کهنوج فرزند متوفی
۳- یاسر رموک به شماره شناسنامه ۲۳۸۰۲۸۷۸۵۱ صادره از ممسنی فرزند متوفی
٤- کیانوش رموک به شماره شناسنامه ۶۰۸۰۰۶۱۵۵٤ صادره از کهنوج فرزند متوفی
۵- آرمیتا رموک به شماره شناسنامه ۲۳۸۰۶۷۱۱۱۳۳ صادره از ممسنی فرزند متوفی
۶- محمدرضا رموک به شماره شناسنامه ۲۳۸۰۶٤۳۸۷۳ صادره از ممسنی فرزند متوفی
۷- مینا رموک به شماره شناسنامه ۱۲۵۱ صادره از منوجان فرزند متوفی
۸- سیما رموک به شماره شناسنامه ۳۱۵۰۱۵٤۷۳۱ صادره از کهنوج فرزند متوفی
۹- شیدا رموک به شماره شناسنامه ۲۳۸۰۳۳۷٤۶۲ صادره از ممسنی فرزند متوفی
۱۰- کلثوم ره پیش فرزند طالب به شماره شناسنامه ۱۷۷۳ صادره از منوجان مادر متوفی
۱۱- موسی صادقی راد فرزند حسن به شماره شناسنامه ۵۱۱ صادره از کهنوج پدر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
۲٤۶۷۳/ م الف
شورای حل اختلاف خومه زار ممسنی